

درباره نوستالژیا و معماری^۱

تبیین وجوه معماری مبتنی بر نوستالژیا با بهره‌گیری از نظریه زمینه‌ای

رشید جعفری^۲

نیلوفر ملک^۳

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

حمید ندیمی^۴

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت: ۳ آبان ۱۳۹۷
پذیرش: ۲۰ خرداد ۱۳۹۸
(صفحه ۱۹-۵)

کلیدواژگان: نوستالژیا، معماری مبتنی بر نوستالژیا، نظریه زمینه‌ای.

چکیده

تجربه حضور در مکان‌های تداعی‌کننده مفاهیم، معانی، و یا خاطرات دلنشین گذشته می‌تواند احساسی از جنس دلنگی شیرین را به دنبال داشته باشد. به دنبال این تجربه، گاه احساس عاطفی تلخ و شیرینی فرد را در بر می‌گیرد؛ این احساس که به دلیل فقدان امری مطلوب بروز می‌کند و معمولاً با واژه‌هایی از قبیل «ای کاش» و «افسوس» همراه است، نوستالژیا نامیده می‌شود. مکان‌های دارای این ویژگی می‌توانند موجب تعلق خاطر بیشتر انسان به محیط شوند و وجهی از زیبایی معقول را برای کاربران آشکار کنند که کمتر مورد توجه بوده است. احساس تداوم مطلوب گذشته و احساس آشنایی با محیط، به دلیل تداعی عناصر و مفاهیم آشنا، از آثار مطلوب شکل‌گیری احساس نوستالژیا در معماری هستند. این در حالی است که به اقتضای مدرنیته و تغییرات ناشی از آن، وجه نوستالژیک معماری کمتر مورد توجه و تعمق بوده و می‌توان گفت تا حدودی مغفول مانده است. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش زمینه‌ای کلاسیک، پاسخ به این پرسش واکاوی می‌شود که وجود کدام ویژگی‌ها و کیفیت‌ها در یک

مکان می‌تواند باعث شکل‌گیری احساس نوستالژیا شود، به گونه‌ای که بتوان آن معماری را حامل و دربردارنده احساس نوستالژیا و به بیان دیگر مبتنی بر احساس نوستالژیا دانست؟ مطابق یافته‌های این پژوهش، کیفیت‌ها و ویژگی‌هایی، مانند جذب عناصر کالبدی گذشته، پایایی، بودن بستری برای خلوت و یا تعاملات اجتماعی مطلوب، بودن در محضر طبیعت، خیال‌انگیزی، سرزندگی، احساس آشنایی، و روح بی‌زمان، می‌توانند موجب برانگیخته شدن احساس نوستالژیا در افراد شود و جذبه‌ای از جنس دلنگی شیرین برای آنان ایجاد کنند. از آنجایی که این کیفیت‌ها رابطه تنگاتنگی با فاکتورهای فیزیکی مکان دارند، این امید هست که پایه‌ای برای پژوهش‌های کاربردی‌تر باشند و منجر به تهیه ابزاری برای طراحان معماری شود تا با آن کیفیت محیط زندگی ارتقا بخشند.

مقدمه

ممکن است تجربه حضور در مکان‌هایی احساسی از جنس دلنگی شیرین نسبت به آنچه از دست رفته را در فرد برانگیزاند و یا تداعی‌کننده مفاهیم، معانی، و یا خاطراتی دلنشین برای فرد باشند.^۵ آن دلنگی‌ها گاهی با حسرت و یا افسوس همراه است و حکایت از فقدان امری



۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول است با عنوان نوستالژیا و معماری: پویایی در راستای تبیین معماری نوستالژیک که با راهنمایی نگارندگان دوم و سوم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان در دست تهیه است.

۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان

rdjafari@yahoo.com

3. niloufar.malek@yahoo.

com

4. ha-nadimi@sbu.ac.ir

5. S.S. Yeh, et al, "Nostalgic

Emotion, Experimental

Value, Destination

Image, and Place

Attachment of Cultural

Tourists", p. 174.

پرسشی پژوهش

– وجود چه ویژگی‌ها و کیفیت‌هایی در یک مکان می‌تواند باعث شکل‌گیری احساس نوستالژیا شود، به گونه‌ای که بتوان آن معماری را حامل و دربردارندهٔ احساس نوستالژیا و یا به بیان دیگر مبتنی بر احساس نوستالژیا دانست؟

مطلوب دارد^۶ و احساسی تلخ و شیرین است^۷، شیرین به دلیل مطلوب بودن آن و تلخ به دلیل از دست دادن و فقدانش. این احساس دلنشین نوستالژیا خوانده می‌شود. چنین مکان‌هایی، که می‌توانند بستر برانگیختن احساس نوستالژیا باشند، معانی زیبایی را در خود به یادگار دارند که گاه با تداعی شدن، موجب درک کیفیت مطلوبی می‌گردند؛ کیفیتی که ارزشمند است و عدهٔ زیادی به آن تعلق خاطر می‌یابند. احساس نوستالژیا تنها در مکان‌هایی، که فرد قبلاً تجربهٔ حضور در آن‌ها را داشته است، رخ نمی‌دهد. انسان در بسیاری از موارد ممکن است با مکانی برای نخستین بار مواجه گردد و یا تصویری از آن را مشاهده کند؛ اما احساسی از جنس نوستالژیا فرد را در بر گیرد^۸، به گونه‌ای که صفت آشنایی را در مورد آن می‌توان به کار برد، گویی مدت‌ها تجربهٔ حضور در آن مکان را با خاطراتی دلنشین داشته است. علاوه بر آن ممکن است چنین احساسی در انسان شامل آرمان‌ها و آرزوهای فرد و یا جامعه شود، که وی دلتنگ از دست دادن آن کیفیت‌ها است. پس می‌توان چنین گفت که اگر تجربهٔ حضور در مکانی مفهوم از دست رفتهٔ شیرینی را برای فرد تداعی کند، آن مکان بستری برای یادآوری آن مفهوم می‌شود و کیفیت مطلوبی را با خود به همراه می‌آورد. این کیفیت به واسطهٔ تداعی تجربه یا مفهوم شیرین از دست رفته ایجاد می‌شود. اگر زیبایی مکان در دو وجه محسوس^۹ و معقول^{۱۰} مورد نظر باشد، می‌توان بیان داشت که این کیفیت به زیبایی معقول مکان می‌افزاید. این در حالی است که در معماری امروز به قابلیت تداعی مفاهیم و معانی نوستالژیک کمتر توجه شده است و فضاهایی که در آن زیست می‌کنیم، از زیبایی معنایی و کیفیت مطلوب نهفته در این قابلیت کمتر بهره برده‌اند. سرعت و شتاب بالای تغییرات با ظهور عصر مدرن و پیشرفت تکنولوژی موجب تغییر بدون تداوم گذشته شده است. امروزه در واکنش به تجربهٔ مدرنیته و زدودن آنچه مربوط به گذشته است، به‌ویژه در جوامعی که هنوز نگاه به گذشته ارزشمند است، تمایلی برای بازگشت به ریشه مطرح می‌گردد. شتاب در حرکت رو به جلو همگام با پیشرفت روزافزون تکنولوژی و نگاه منفی به گذشته در مقابل خدشه‌دار شدن احساس تداوم نوعی دیالکتیک توجه به گذشتهٔ شیرین ایجاد کرده است. در کنار شتاب بالای تغییرات کالبدی، تغییر سبک زندگی، جابه‌جایی‌های خواسته و یا ناخواستهٔ مردم، به دلایل گوناگون، به این دیالکتیک دامن زده است. از بین رفتن ارتباط محسوس افراد با تجربه‌ها

۶. نک:

S. Boym, *The Future of Nostalgia*; S. Legg, "Memory And Nostalgia".

۷. نک:

F. Dasilva & J. Faught, *Nostalgia: A Sphere and Process of Contemporary Ideology*.

۸. به تعبیری پهنهٔ مفهوم نوستالژیا ممکن است از تجربهٔ شخصی فرد در گذشته تا مفاهیمی فراتر از گذشتهٔ خود فرد باشد و حتی شامل گذشته‌ای که تجربه نکرده نیز بشود (Yeh, et al, ibid). این مفاهیم ممکن است ریشه در کهن‌الگوها و یا فطرت داشته باشند. در قرآن کریم فطرت مبنای ثابت و بی‌زمان و مکان مخاطب قرار دادن همه انسان‌ها گفته شده است. به تعبیری مرتبهٔ بی‌تغییر انسان‌ها با فطرت همگی آن‌ها قابل تطبیق است و فطرت همان عنصر واحدی است که در زمان و مکان گوناگون بی‌تغییر است (عاطفه کرباسی، «معماری امروز و ابهامی در باب ثابت و متغیر»، ص ۶۵). فطرت به آنچه در انسان‌ها ثابت و بی‌تغییر است اشاره دارد (سیدحسین نصر، معرفت و معنویت، ص ۶۲۳). از آنجا که بحث در این خصوص، با توجه با اهمیت آن، نیازمند کاری مستقل است؛ در اینجا به اشارتی اکتفا شده است.

۹. زیبایی محسوس یا زیبایی فرمال
۱۰. زیبایی معقول یا معنایی یا زیبایی سمبولیک. برای مطالعه در خصوص زیبایی محسوس یا معنایی نک: جان لنگ، آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط؛ محمدتقی جعفری، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام.

11. Johannes Hofer

۱۲. بیماری‌ای که با نشانه‌هایی نظیر بی‌خوابی، بی‌اشتهایی، تپش قلب، تب و خصوصاً فکر کردن زیاد به خانه (نک: G. Galli, *Nostalgia, Architecture, Ruins, and their Preservation*, p. 13)، دلنگی، افسردگی، ناپایداری احساسات شامل تقلا شدید، گریه کردن و گاهی تلاش برای خودکشی (نک: J. Davies, "Sustainable Nostalgia") مشخص می‌شد.

۱۳. واژه نوستالژیا از ترکیب دو واژه یونانی (nostos) به معنی بازگشت به خانه و یا بازگشت به وطن و همچنین واژه (algos) به معنی آرزو و اشتیاق و غم و اندوه و تالم تشکیل شده است و در مجموع به معنی اندوهگینی و گرفتگی روحی به علت دوری از سرزمین است (A. Margalit, "Nostalgia", p. 272; J. Hart, "Toward a Phenomenology of Nostalgia", p. 398).

۱۴. ریشه این واژه، با معنای درد به همراه بازگشت مرتبط است؛ اما این بازگشتی نیست که خود بازگشت درد داشته باشد و تقریباً می‌توان گفت آن جدایی است که باعث درد شده است.

15. Margalit, *ibid*.

16. Boym, *ibid*, p. 4.

17. S. Holak & W. Havlena, "Feeling, Fantasies, and Memories: An Examination of the Emotional Components of Nostalgia", p. 218.

18. E. Pourtova, "Nostalgia and lost Identity", p. 39;

L. Austin, *Nostalgia in Transition: 1780-1917*, p. 141; Davies, *ibid*; Boym, *ibid*, p. 7.

آخر به صورت یک عکس‌العمل معمول انسانی مطرح گردیده است.^{۲۱}

بهره‌گیری از مفهوم نوستالژیا در مباحث روان‌شناسی مصرف‌کننده، تجارت، و بازاریابی رونق روزافزونی یافته است و تولیدکنندگان و تاجران از برانگیختن احساس نوستالژیک افراد در راه بازاریابی بهتر بهره‌ فراوان می‌برند. در بسیاری از فروشگاه‌ها در سراسر جهان جذبۀ نوستالژیک ابزاری مناسب برای رقابت شده است و خریدارانی که آرزوی کیفیت‌های مطلوب گذشته را دارند مخاطبان او هستند.^{۲۲} در سینما نیز از نوستالژیا بهره برده‌اند.^{۲۳} ادبیات نیز در بهره‌گیری از احساس عاطفی مثبت نسبت به گذشته شیرین، چه در نثر و چه در نظم، بهره‌ فراوان برده است.^{۲۴}

با وجود ورود مبحث نوستالژیا به حوزه‌هایی نظیر ادبیات، شعر، و سینما، این مفهوم آن‌گونه که انتظار می‌رود به ادبیات معماری نفوذ نکرده و جایگاه خود را در حوزه معماری نیافته و زمینه لازم برای ورود مبحث نوستالژیا به معماری فراهم نشده است؛ عامل مهم این نقیصه خلأ بنیان‌های نظری در علوم طراحی و از جمله معماری است.^{۲۵} تبیین وجه نوستالژیک معماری می‌تواند مقدمه‌ای برای دستیابی به چگونگی خلق مکان‌هایی باشد که دارای قابلیت ایجاد تدامی‌هایی از جنس نوستالژیا هستند. در این مسیر تبیین وجوه معماری مبتنی بر نوستالژیا می‌تواند ابزاری برای معماران فراهم کند تا با بهره‌گیری از آن بر کیفیت فضا بیافزایند. در این مقاله با هدف تبیین این وجوه، پاسخ این پرسش واکاوی می‌شود که وجود چه ویژگی‌ها و کیفیت‌هایی در یک مکان می‌تواند باعث شکل‌گیری احساس نوستالژیا شود؟

۱. روش و روند انجام پژوهش

رویکرد این پژوهش کیفی است و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مشاهده، و نوشتار ابزار کیفی گردآوری داده‌ها هستند و از نظریه

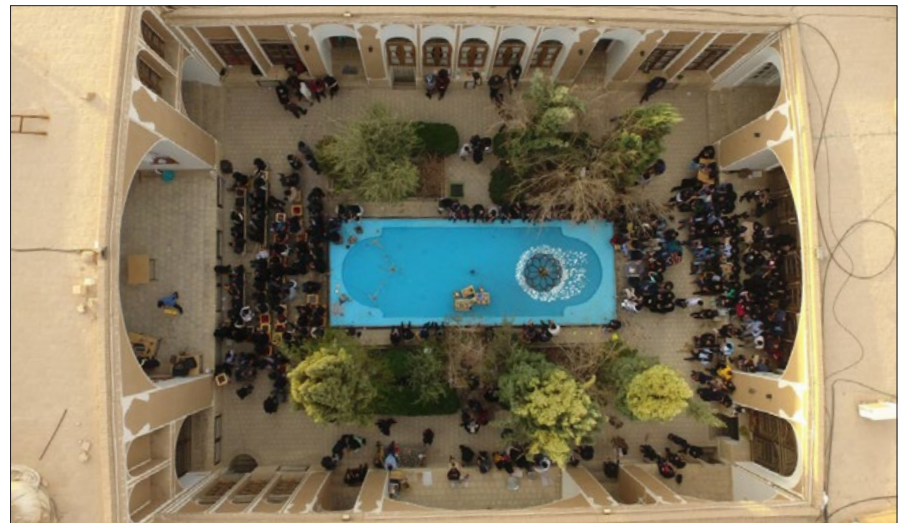
و خاطرات شیرینشان، که می‌تواند به دلیل جابه‌جایی یا از بین رفتن موقعیت‌های کالبدی حاصل شود، موجب شکل‌گیری تجربه فقدان می‌گردد. در واقع نوستالژیا به مثابه لنگرگاهی در مقابل دلواپسی‌های ایجادشده رخ می‌نماید. در کنار آن و از جنبه‌ای دیگر، با مدرنیته بسیاری از وجوه زیبایی معنایی نادیده انگاشته شده است و از آن جمله می‌توان از وجه نوستالژیک معماری نام برد. در جوامعی که هنوز ارتباط با گذشته دارای ارزش است، احساس تداوم و پیوستگی با گذشته و همچنین مکان‌هایی که تدامی‌کننده دلنگی‌های شیرین نسبت به گذشته باشند، چه در مقیاس فردی و چه در مقیاس جمعی، دارای ارزش بالایی هستند. یادآوری خاطرات نوستالژیک، اگر تدامی‌کننده آن دلنگی‌های شیرین باشد، نیازمند بستری درخور است؛ تدامی‌هایی که با بهره‌گیری از زیبایی‌های معنایی مستتر در آن، مکان را برای بهره‌بردار آشنا تر، پرمعنا تر، و دلپذیرتر می‌کند و بدین وسیله فرد احساس تعلق بیشتری به محیط خواهد داشت. در اینجا اشاره‌ای گذرا به مفهوم نوستالژیا، سیر تاریخی آن، و کاربرد آن در دیگر حوزه‌ها می‌تواند مفید فایده باشد. در قرن هفدهم، پزشکی سوئسی به نام یوهانس هافر^{۱۱} واژه نوستالژیا را برای توصیف یک بیماری^{۱۲} مفهوم‌سازی کرد.^{۱۳} نوستالژیا^{۱۴}، آرزو و اشتیاق قدیمی بازگشت به خانه^{۱۵} و یک احساس فقدان است؛^{۱۶} حالت اشتیاقی است که به وسیله یک شیء، چشم‌انداز، یا موسیقی برانگیخته شود.^{۱۷} پس از مطرح شدن نوستالژیا به منزله یک بیماری در رشته پزشکی^{۱۸}، به‌مرور این مفهوم اختلال روان‌شناسی دانسته شد. در آخر قرن هجده، نوستالژیا به جای بیماری به موضوع مورد توجه شاعران و فیلسوفان تبدیل شد و آن را احساس اندوه برای دوران کودکی تعبیر کردند.^{۱۹} در دو دهه اخیر تلاش‌های زیادی برای مطرح کردن نوستالژیا در اصطلاحی که بار منفی کمتری داشته باشد، صورت گرفته است. در حال حاضر نوستالژیا کمتر یک بیماری و بیشتر علاقه طبیعی برای گذشته معنادار شخص قلمداد می‌شود.^{۲۰} و در دهه‌های

19. Pourtova, ibid.
 20. Davies, "Sustainable Nostalgia"; T. Wildschut, et al, "Nostalgia: Content, Triggers, Functions".
 21. A. Al-Ragam, "Critical Nostalgia: Kuwait Urban Modernity and Alison and Peter Smithson's Kuwait Urban Study and Mat-Building", p. 1.
 22. C. Marchegiani & I. Phau, "Personal and Historical Nostalgia-a Comparison of Emotions", p. 138.
 23. تارکوفسکی (Andrei Tarkovsky) در فیلمی ←

تصویر ۱. خانه رسولیان یزد، عکس: امیرحسین عسگری؛ انجمن علمی دانشجویان دانشگاه یزد، نوروز ۱۳۹۶.

زمینه‌ای^{۳۶} برای تحلیل داده‌ها بهره‌گرفته شده است.^{۳۷} اگر هدف درک فرایند و شیوه تجربه افراد باشد و اینکه این افراد چگونه تجربه‌شان را تفسیر می‌کنند، محقق نیاز به شیوه‌هایی برای کشف و درک پیچیدگی آن‌ها دارد. پژوهشگران در روش‌های کیفی، بخصوص در نظریه زمینه‌ای، در پی کشف این پیچیدگی‌ها هستند.^{۳۸} محققان در این پژوهش تلاش می‌کنند، تا با روش استقرایی، به تجارب دست اول و عمیق افراد دست یابند، برای این منظور از نظریه زمینه‌ای کلاسیک^{۳۹} استفاده شده است.^{۴۰}

تحلیل داده‌ها در این روش از طریق کدگذاری^{۴۱} صورت می‌گیرد.^{۴۲} در اصل روش نظریه زمینه‌ای بر اساس تشخیص و شناساندن موضوعات یا مفاهیم موجود در متن و کدگذاری متن شکل گرفته است. نظریه زمینه‌ای عمدتاً در دو دسته نظریه زمینه‌ای کلاسیک^{۴۳} و یا نظریه زمینه‌ای پارادایمی^{۴۴} دسته‌بندی می‌گردد.^{۴۵} هر کدام از این‌ها با وجود شباهت در کلیات ویژگی‌هایی منحصر به فردی دارند که بنا بر سؤال پژوهش می‌توانند پاسخ‌گو باشند. برخی از پژوهشگران این حوزه معتقدند مدل پارادایمی، به علت داشتن الگوهای مشخص، محدودکننده



است و به دلیل دنبال کردن رویکردهای مشخص، موجب در نطفه خفه شدن مفهوم‌سازی ظهوریابنده^{۳۶} می‌گردد و به واسطه کدگذاری تحمیلی از طریق یک پارادایم یا یک مسیر مشروط، محدودکننده است. درحالی‌که روش کلاسیک انعطاف‌پذیرتر و آزادتر است.^{۳۷} با توجه به موضوع و از آنجا که نظریه زمینه‌ای کلاسیک روشی است که بر فرایند متمرکز است و قادر است یک نگاه مفهومی عرضه کند، برای این پژوهش انتخابی ایده‌آل به نظر می‌رسد.^{۳۸} این رویکرد بر قاب نگاه مشارکت‌کنندگان متمرکز می‌شود و فرصتی برای آن‌ها فراهم می‌آورد تا افکار خود را پیرامون مسئله‌ای که برایشان اهمیت دارد سامان‌دهی کنند؛ و به ایشان اجازه می‌دهد در مورد مسایلی، که برایشان اهمیت دارد، به تفکر و تعمق بپردازند و به درک و بینشی تازه نایل شوند.^{۳۹}

نمونه‌گیری این پژوهش، مانند سایر پژوهش‌های کیفی، از نوع غیر احتمالی یا هدفمند است که در آن انتخاب مشارکت‌کنندگان با هدف کسب بیشترین اطلاعات در مورد پدیده مورد بررسی انجام می‌گردد.^{۴۰} در این پژوهش از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بهره‌گرفته شده است.^{۴۱} این رویکرد می‌تواند کمک کند تا مفاهیم تازه‌ای برای پژوهشگر آشکار شود.^{۴۲}

در این پژوهش، برای کنترل عوامل متعدد مداخله‌گر، مکان‌هایی مطالعه شده‌اند که بهره‌برداران از گروه‌ها و فرهنگ‌های مختلف با آن مرتبط باشند تا مشارکت‌کنندگان به طور مناسب‌تر انتخاب کنند و تبیین جامع‌تری از عوامل تأثیرگذار بر موضوع حاصل گردد. نخستین مکان خانه رسولیان (دانشکده معماری دانشگاه یزد) بود (تصویر ۱). این خانه قدیمی و باکیفیت که به فضای آموزشی تغییر کاربری داده شده، در مدتی طولانی پذیرای کاربران زیادی از شهرها و فرهنگ‌های مختلف بوده است و به نظر می‌رسد که افراد زیادی با آن رابطه مطلوب و دلنشینی داشته‌اند و دارند. به منظور کنترل بهتر عوامل مداخله‌گر، تلاش شد که مشارکت‌کنندگان پژوهش از گروه‌های

→ به همین نام، به نمایش وضعیت فردی که در یک پیچیدگی سخت بین دنیا و خودش افتاده است، می‌پردازد؛ به گونه‌ای که او نمی‌تواند بین واقعیت و هارمونی رویایی خود هماهنگی ایجاد کند. پلاسما (Juhani Pallasmaa) در نقد فیلم نوستالژی و در شرح رفتار شخصیت اصلی داستان، به این صحنه تکراری می‌پردازد که او در صحنه‌های بازگشت به خانه‌اش در روسیه، همواره کلیدهای خانه در جیب پالتوی خود را با انگشتانش لمس می‌کند، پلاسما این عمل را چونان بازتابی ناخودآگاه از اشتیاق قهرمان فیلم نسبت به این بازگشت توصیف می‌کند.

تصویر ۲ (چپ). توحیدخانه، عکس: رشید جعفری.



مقایسه و یا پرسش و همچنین یادداشت‌نویسی و با در نظر گرفتن مسئله پژوهش انجام شد. لازم به ذکر است که این مرحله از کدگذاری، که کدگذاری حقیقی نام دارد، بیشترین نزدیکی را به داده‌های حاصل از مصاحبه، نوشتار، و مشاهده دارد.^{۴۹} کدهای حقیقی هر دو نوع مرحله کدگذاری باز و انتخابی^{۵۰} را در بر می‌گیرند^{۵۱}؛ به منظور سیر به سوی انتزاعی‌تر شدن و برداشت مفاهیم غنی‌تر، با توجه به از دست ندادن مفاهیم مفید و کاربردی و همچنین توجه مداوم به مسئله و هدف پژوهش، مفاهیم انتخابی، تحت عنوان مفاهیم نظری فرعی به صورت انتزاعی‌تر، دسته‌بندی و نام‌گذاری شده‌اند. با توجه به اینکه هنوز به دسته‌بندی مفاهیم مرتبط تحت عنوانی انتزاعی‌تر نیاز بود، این کار، تحت عنوان مفاهیم نظری اصلی، عملیاتی گردید، که مفاهیم اصلی و کلیدی استخراج‌شده از جامعه مشارکت‌کننده را شکل دادند. کدگذاری نظری نشان می‌دهد که چگونه کدهای حقیقی می‌توانند به یکدیگر مربوط شوند و از فرضیاتی به هم بافته‌شده یک نظریه را ایجاد کنند.^{۵۲} این مراحل در چندین مرتبه، پس از تعمق و تحلیل، بازخوانی و اصلاح شده‌اند.

گوناگون زن و مرد، یزدی و غیر یزدی، دانشجو و استاد، در حال بهره‌برداری و بهره‌برداری در گذشته، تازه‌وارد و قدیمی باشند. برای اطمینان از نتیجه پژوهش، یک بنای قدیمی دیگر و نیز یک بنای نوساز، که هر دو، با کاربری آموزشی، مخاطبین گسترده‌ای داشتند، برای مطالعه انتخاب شدند: توحیدخانه که هم‌اکنون بخشی از دانشکده معماری دانشگاه هنر اصفهان است با توجه به قدمت و کیفیت معماری آن (تصویر ۲) و نیز بنای نوساز دانشکده معماری خوراسگان (تصویر ۳).

در این پژوهش داده‌ها بر اساس مصاحبه با سی نفر از بهره‌برداران خانه رسولیان، بیست و دو نفر از بهره‌برداران توحیدخانه، و پانزده نفر از بهره‌برداران دانشکده معماری خوراسگان به دست آمده است.^{۴۳} ملاک تعیین کفایت مصاحبه‌ها در این پژوهش، مانند سایر پژوهش‌های کیفی، اشباع نظری است^{۴۴}؛ در این پژوهش مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که به نظر رسید پاسخ‌ها مشابه شده‌اند و عملاً اشباع نظری اتفاق افتاده است.^{۴۵} در همه مصاحبه‌ها علاوه بر ضبط فایل صوتی، یادداشت‌های میدانی پژوهشگر نیز ثبت و یادداشت‌های نظری نیز بلافاصله پس از مصاحبه‌ها نوشته می‌شدند.^{۴۶}

نکته قابل اشاره این است که از مصاحبه‌ها بیشترین مفاهیم استخراج شد. برای اطمینان یافتن از درستی برداشت مفاهیم از مصاحبه‌ها، برداشت مفاهیم از مشاهده و همچنین درخواست از مشارکت‌کنندگان برای بیان نوشتاری احساس خود از محیط استفاده شد. با توجه به اینکه نوشتار با عامل مداخله‌گر توانایی خوب نوشتن روبه‌رو است، با اقبال کمتری مواجه شد؛ اما در مواردی که مشارکت‌کننده توانایی خوبی در نوشتن می‌داشت، نتیجه بسیار مطلوبی به دست آمد.

فرایند پژوهش دو سطح کدگذاری حقیقی^{۴۷} و کدگذاری نظری^{۴۸} را شامل می‌شود. با تعمق در مصاحبه‌ها، نوشتارها، و برداشت مفاهیم از مشاهده و تحلیل آن‌ها، اولین گام انتزاعی شدن مفاهیم انجام گردید. این امر با بهره‌گیری از روش‌های

۲۴. از مولانا و حافظ که بگذریم، اخوان با بهره‌گیری از باستان‌شناسی به حوزه نوستالژیا پا گذاشته است، نادرپور با غم غربت در شعرهایش پیش می‌رود و نیما و فروغ گاهی با بازگشت به دوران کودکی، غم و تنهایی خود را از یاد می‌برند. آشنایی در فرار از دورانی که در آن زندگی می‌کند، به گذشته‌های دور برمی‌گردد و گاه اسطوره‌آفرینی می‌کند و گاه دلنگی خود را در دوری از معشوق با بیانی نوستالژیک بیان می‌کند (محمد ربحانی و ربابه قصابان شیروان، «بررسی یکی از مؤلفه‌های نوستالژیک (دوری از معشوق) در برخی از اشعار منوچهر آتشی»، ص ۹۲).

تصویر ۳. دانشکده معماری دانشگاه خوراسگان، عکس: رشید جعفری.

این مفاهیم با برخی از مشارکت‌کنندگان در میان گذاشته شده است تا اعتبار این یافته‌ها به طریق شیوه کنترل عضو^{۵۳} تأیید شود.

۲. وجوه معماری مبتنی بر نوستالژیا

در ادامه به چند نمونه کدهای حقیقی و همچنین نظری برداشت‌شده از نمونه متن‌ها اشاره گردیده است؛ لکن، برای پیشگیری از اطاله امر، از تشریح مراحل میانی کدگذاری خودداری شده است. از مجموع یافته‌های حاصل از مشارکت‌کنندگان، ۲۱۹ کد در مرحله ابتدایی کدگذاری حقیقی حاصل شد؛ این کدها در چند مرحله انتزاعی شدن و دسته‌بندی در ۳۷ کد تحت عنوان مفاهیم نظری فرعی و در نهایت در غالب ۸ کد نظری اصلی عرضه گردیده‌اند. کدهای نظری وجوه معماری مبتنی بر نوستالژیا هستند. این کدها و مفاهیم شکل‌دهنده آن‌ها در ادامه تشریح می‌شوند.

۲.۱. جذبه عناصر کالبدی گذشته

تجربه احساس نوستالژیا حاصل تعامل قطب درون و برون و

دیالوگ این دو است. قطب درون در مقابل قطب بیرون که شامل محیط ورای فرد است، خود را مطرح می‌کند. اینکه در روبه‌رو شدن با فضاهای حامل احساس نوستالژیا در ذهن فرد چه روی می‌دهد و سازوکار ذهن در برخورد با چنین فضاهایی چیست، اهمیت فراوان دارد. گاهی در مواجه شدن با عوامل کالبدی محیط، خاطرات نوستالژیک تداعی می‌گردند. این تداعی که به دلیل شباهت، مجاورت، و یا تضاد^{۵۴} «این» با «آن»^{۵۵} در بعد درون فرد روی می‌دهد، می‌تواند موجب شکل‌گیری احساس نوستالژیا در مکان شود. مطابق پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در این پژوهش «جذبه مصالح» یکی از عواملی است که می‌تواند موجب نوستالژیک شدن مکان گردد. «جذابیت دیوارهای از جنس کاهگل»، «درب چوبی»، «تماشای فواره سنگی»^{۵۶} از کدهایی هستند که شرکت‌کنندگان این پژوهش در مکان‌های مورد مطالعه به آن‌ها اشاره داشته‌اند:

واقعاً دلم برای کجای این خانه پیر و خسته تنگ شده؟ چرا برای دیدار دوباره آدمم؟ این هفت‌دری با شیشه‌های اغواگر رنگی و زیبا؟ این دیوارهای کاهگلی؟ (هفت‌دری و اغواگری شیشه‌های رنگی و زیبای آن — جذابیت دیوارهای از جنس کاهگل).

همچنین «اجزای معمارانه گذشته» در یک مکان می‌تواند باعث شکل‌گیری احساس نوستالژیا شود. وجود «ساباط»، «تاق و تویزه»، «پیرنشین»، و اجزای معماری‌ای از این دست بر شکل‌گیری احساس نوستالژیا تأثیر می‌گذارند:

«ارسی‌هایش، درهایش، مصالحش نو و تازه بودند و کهنه نمی‌شدند و من نسبت به آنجا احساس دلنگی شیرین دارم» (تازه و نو بودن ارسی و درها در عین قدیمی بودن — احساس دلنگی شیرین داشتن).

«دانشکده خوراسگان چیز مهیجی ندارد. چیزی خشک و معمولی است» (معمولی بودن و تکراری بودن فضا).

این مفاهیم تحت عنوان کد نظری جذبه عناصر کالبدی





۲۵. در اینجا اشاره به این مفهوم که نوستالژیا با کهن‌الگوها مرتبط است، مفید است. می‌توان بیان داشت که نوستالژیا با ریشه‌ها مرتبط است (نک: Galli, *Nostalgia, Architecture, Ruins, and their Preservation*). و می‌توان آن را تجربه‌ای کهن‌الگویی قلمداد کرد (Nostalgia and lost identity) که شاید شامل گذشته‌ای شود که خود فرد تجربه نکرده باشد. این مفهوم می‌تواند از نوستالژیا و نوستالژیای جمعی پشتیبانی نظری کند؛ لکن با توجه به اینکه ادامه این مبحث از حوصله این نوشتار خارج است، از ورود به آن خودداری می‌شود.

26. Grounded Theory
۲۷. نظریه زمینه‌ای زمانی مناسب است که پژوهشگر به دنبال کشف حوزه‌های جدید مرتبط با موضوع است و یا در پی آن است که حوزه‌ای شناخته‌شده را از زاویه‌ای جدید و تازه ببیند (نک: انسلم استراوس و جولیت کربین، *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*).
نک: ۲۸.

L. Richards & J.M. Morse,
*Readme first for a User's
Guide to Qualitative
Methods*.

نک: ۲۹.

C. Goulding, "Grounded
Theory: A Practical Guide
for Management".

۳۰. در نظریه زمینه‌ای محقق شخصاً به صورت عینی و تجربی درگیر گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل است. ماهیت استقرایی این نظریه به‌ویژه <

الصافی به مکان است. خاطرات نوستالژیک فراوانی از دوستی‌ها و ارتباط با فرد دیگر و یا در جمع اشاره شده‌اند و نکته قابل توجه این است که این تعاملات نیازمند بستری درخور است و چه زیبا است که بستر آن در شأن چنین کیفیت‌هایی باشد:

هر گوشه این حیاط به خاطره‌ای متصل است، هر گوشه این خانه با خاطراتی گره خورده است. در این خانه خامی نوجوانی‌مان به نوری جوانی‌مان پیوند خورده است (خاطره‌انگیزی رویدادها در گوشه‌گوشه حیاط).

هرچه به آن خانه می‌اندیشم، بیشتر غرق "سکوت" می‌شوم؛ همیشه از این خانه مفهومی از "خلوت" برایم جلوه‌گر می‌شود (در خود فرو رفتن — خلوت داشتن). بسیار بودند دوستانی که با هم هم‌داستان بودیم؛ لیکن وقتی خاطره آن روزها به سراغم می‌آید، گویی فیلم صامتی را تماشا می‌کنم، تصاویری شورانگیز و بدون کلام (رخدادهای فضا — تعاملات عاطفی — شورانگیز بودن خاطرات).

در دانشکده خوراسگان شور خاصی نبود و جو پرشوری نبود بین بچه‌ها. جایی که آدم دل‌تنگ آن می‌شود باید خاطره خوبی داشته باشد و من خاطره خوبی ندارم و چیزی نیست که بگویم کاش برگردم و چیزی عادی است و چیز خاصی ندارد (عدم شکل‌گیری تعاملات اجتماعی مطلوب).

۲.۴. سرزندگی

مطابق نظرات مشارکت‌کنندگان «زنده بودن» یک فضا که از مفاهیمی همچون «جریان داشتن زندگی»، «زنده بودن و جان داشتن» و «تأمیل به حضور مستمر در فضا» نشئت می‌گیرد، می‌تواند موجب شکل‌گیری احساس نوستالژیا شود. «طیف تاریکی تا نور»، «مقیاس‌های گوناگون»، و یا «فضای بسته، نیمه‌باز، باز» کدهایی هستند که مشارکت‌کنندگان این پژوهش از آن‌ها به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نوستالژیا یاد کرده‌اند و

گذشته طبقه‌بندی شده‌اند و مطابق یافته‌های این پژوهش، «جذبه عناصر کالبدی گذشته» یکی از ویژگی‌های تأثیرگذار مکان در شکل‌گیری احساس نوستالژیا است و می‌تواند به مثابه یکی از وجوه نوستالژیا در معماری مطرح شود.

۲.۲. پایایی

«دوام کالبدی» و «احساس پناه»^{۵۷} مفاهیمی هستند که، مطابق یافته‌های پژوهش، تحقق آن‌ها برای ظهور احساس نوستالژیک لازم است. این مفاهیم تحت عنوان «پایایی» دسته‌بندی شده‌اند. احساس نوستالژیا نه ضرورتاً، بلکه به احتمال زیاد، زمانی می‌تواند احتمال ظهور داشته باشد که نیازهایی از این دست برآورده شده باشند:

«یک بار که دیدم فضاهایش خاک نشسته غصه خوردم. معلوم بود فضا از جنس مردگی بود» (دل‌تنگ شدن برای از دست دادن آنجا — تأسف خوردن از نشستن گرد و غبار به آنجا). اشاره به این نکته ضروری می‌نماید که نوستالژیا به دنبال شاعرانگی فضا است. شرط لازم این است که باید نیازهای پایه‌ای معمارانه محیط مهیا باشد تا امکان بهره‌مندی از کیفیت‌های نوستالژیک مهیا گردد. در صورتی که نقصانی در این خصوص باشد، موجب کم‌رنگ شدن تأثیر آن می‌گردد. «پایایی» یکی از این نیازها است.^{۵۸}

۲.۳. بستری برای خلوت و یا فرصتی برای ما

هم بودن

«آزادی انتخاب»، «جمع‌پذیری»، «تعاملات عاطفی»، و «خلوت داشتن» از مفاهیمی هستند که مطابق یافته‌های پژوهش می‌توانند در شکل‌گیری احساس نوستالژیا مؤثر باشند. این مفاهیم تحت عنوان «بستری برای خلوت و یا تعاملات اجتماعی مطلوب» گرد آمده‌اند. آنچه مکان‌ها را بیشتر به‌یادماندن می‌کند، حضور افراد یا گروه‌ها و تجربه‌ها و معانی

→ باعث خلاقیت و آزادی محقق می‌شود و فرایند پژوهش را منعطف می‌کند. نظریه زمینه‌ای رویه‌ای برای مفهوم‌بندی داده‌ها، مقوله‌بندی، و ارتباط دادن بین مقولات و نیز ساخت خط داستان است که بر اساس الگوی روابط میان مفاهیم حاصل از پژوهش است. در واقع نظریه چیزی جز مفاهیم و روابط بین آن‌ها نیست (نک: Urquhart, *Grounded Theory for Qualitative Research: A Practical Guide*, p. 26).

31. Coding

۳۳. کدگذاری به معنای رمزگشایی و تفسیر داده‌ها و شامل نام‌گذاری مفاهیم و تبیین آن‌ها با جزئیات بیشتر به شیوه استقرایی است (نک: استراوس و کریبن، همان) و به فرایندی از تحلیل اشاره دارد که از خلال آن مفاهیم (Concepts) تشخیص داده شده است، ابعاد (Dimensions) و خصوصیات (Properties) آن در داده‌ها کشف می‌شوند. به بیان دیگر کدگذاری فرایندی تحلیلی است که طی آن داده‌ها تفکیک، مفهوم‌بندی، و یکپارچه می‌شوند، به گونه‌ای که بتوانند نظریه نهایی را شکل دهند (نک: B.G. Glaser & A. Strauss, *The Discovery of Grounded Theory*).

۳۳. نظریه زمینه‌ای که بر اساس نظرات گلبر است.

۳۴. نظریه زمینه‌ای که بر اساس نظرات استراوس و کریبن است.

۳۵. برای مطالعه بیشتر در خصوص این روش‌ها نک: Heath, Helen & Sarah Cowley. "Developing a grounded theory approach: a comparison of Glaser and Strauss".

می‌توانند ذیل مفهوم «تنوع» دسته‌بندی شوند. «نشاط» که مفهومی همچون «مشعوف شدن» و یا «کودکی کردن در عین بزرگ بودن» را در بر می‌گیرد، می‌تواند از مفاهیم مؤثر بر احساس نوستالژیا باشد. این کدها در نهایت تحت عنوان «سرزندگی» دسته‌بندی شده‌اند:

«دل‌م می‌خواست صبح و شب آنجا زندگی کنم و کار خلاقانه بکنم. خیلی جاها چنین فضایی را به آدم نمی‌دهد» (تمایل به حضور مستمر در فضا).

دور حوض می‌ایستم، نگاهی به آب می‌اندازم، مثل همیشه نیست. شاید به خاطر ماهی‌های قرمز است. ماهی‌ها و فواره‌ها که نیستند، انگار حوض زنده نیست. حوض که نه، انگار خانه زنده نیست (زنده بودن خانه به دلیل زنده بودن حوض و فواره و ماهی — تماشای آب در حوض — احساس مردگی خانه، به دلیل نبودن ماهی‌ها و فواره در حوض آب).

زمانی ما فضایی داشتیم به نام پستو که کیفیتی را در قیاس با اتاق در خودش داشت. آن تشک و چیزهای درون آن تا تاریکی، فضای روشن کنارش، ارتباط تیرگی و روشنی، ارتباط بسته و باز بودن، همه این‌ها می‌توانست کیفیتی را ایجاد کند که خاطره‌انگیز باشد (طیف تاریکی تا نور — مقیاس‌های گوناگون — فضای بسته و باز).

۲.۵. در محضر طبیعت

ارتباط با طبیعت و کیفیت این ارتباط در طول دوران جدید متحول شده است. آرزوی بسیاری از افراد مشارکت‌کننده در این پژوهش کیفیت ارتباطی مطلوب‌تری با طبیعت است که حضور در بسیاری از فضاهای گذشته افسوس از دست رفتن آن در حال حاضر را برمی‌انگیزاند. این ارتباط به روش‌های گوناگون با عناصر پایه طبیعی آب، باد، خاک، نور و به صورت بی‌واسطه و یا با واسطه و اندازه‌مند است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش «جذبه اطوار نور در فضا» مفهومی پررنگ در جای‌جای مصاحبه‌ها بود؛ مفهیمی مانند «طنازی نور عبور کرده از لابه‌لای برگ‌های نارنج» و «ترقص نور عبور کرده از شیشه‌های رنگی» و «نوری در سینه داشتن» به این مفهوم اشاره دارند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به مفهیمی مانند «رو کردن به آسمان و حیاط در کنار ارسی» و یا «درک کردن رویش گیاهان در حیاط» که نشئت گرفته از «ارتباط بدون مرز با طبیعت» است، اشاره دارند و این مفاهیم را عاملی برای شکل‌گیری احساس نوستالژیا می‌دانند. «ارتباط بی‌واسطه با طبیعت» مفهومی است که در بردارنده معانی فوق است. «ارتباط اندازه‌مند با طبیعت» در کنار ارتباط بی‌واسطه با آن خود را مطرح می‌کند و شامل مفهیمی مانند «نگاه قاب‌گرفته از خلال پنجره»، «ارسی: مرز زیبای فضای هفت‌دری و حیاط» و یا «در گوشه کنار ارسی نشستن» است:

در اتاق که نشستی، در پنجره را باز می‌کنی و هستی برای تو در قاب است. در ارسی با بازی‌ای که با نور و هندسه داشته است، تولید معنا کرده است و خدایی که درونش است را آزاد کرده و آنقدر صورتی که دارد را قشنگ پردازش کرده که از آن کیفیت و معنا بیرون بیاید. ترکیب ارسی با آب و سبزه و انار در تالار جذابیت دارد (تماشای محیط از قاب پنجره — معنا یافتن فضا به واسطه بازی نور و هندسه — طنازی نور هندسه‌مند — معنا یافتن به واسطه تبلور زیبایی محیط).

مفاهیمی مانند «جذبه آب»، «در دل خاک»، «جلوه آسمان» از دیگر مفاهیم زیرمجموعه «در محضر طبیعت» هستند که هر کدام کدهایی مانند «ترنم آب»، «پناه بردن در عمق خاک»، و یا «نزدیک‌تر شدن به آسمان» را در بر می‌گیرند: خیلی از نکات این احساس پنهان است. اگر بخواهیم مواردش را کشف کنیم، به نظر من یکی از آن‌ها ارتباط با طبیعت است. ارتباط با خاک مخصوصاً (ارتباط با طبیعت).



36. Urquhart, ibid, p. 19-20.

۳۷. نک: سمیه زمانی، واکاوی شکل‌گیری هویت مصرف‌کنندگان تلفن همراه در ابر جهان دوفضایی با استفاده از نظریه زمینه‌ای کلاسیک.

۳۸. ارزش انحصاری نظریه زمینه‌ای کلاسیک در توانایی آن برای فراهم کردن یک دید مفهومی از پدیده تحت مطالعه نهفته است. چیزی که با پرسیدن «واقعا چه چیزی در جریان است» ایجاد می‌شود.

39. Glaser, *Doing Grounded Theory: Issues and Discussions*, p. 118.

۴۰. نمونه‌گیری هدفمند برخلاف نمونه‌گیری احتمالی-کمی، بر گزینش هدفمندانه و معیارمحور موارد یا واحدهای مورد مطالعه استوار است؛ در این میان، به دلیل ویژگی ابزار تحقیق، که برخلاف پرسشنامه، با تعداد محدودی انجام می‌گیرد، انتخاب مصاحبه‌شوندگان اهمیتی دوچندان می‌یابد.

۴۱. در این رویکرد محقق برخی کنترل‌ها را بر روی جهت و محتوای مصاحبه نگه می‌دارد؛ درحالی‌که شرکت‌کنندگان بر روی شرح دادن و انتخاب جهت‌های جدید اما مرتبط آزاد هستند. به منظور ساختار دادن نسبی به همه مصاحبه‌ها ضروری بوده است که پرسش‌نامه راهنمایی برای مصاحبه‌ها تدوین گردد. این پرسش‌نامه راهنما تنها در اختیار پرسشگر است و به رؤیت مصاحبه‌شونده نمی‌رسد. با توجه به رویکرد نیمه‌ساختاریافته مصاحبه، نیت اصلی نهفته در سؤال‌ها این است که چارچوب گفت‌وگو را مشخص کند. لذا پژوهشگر تنها به دنبال پاسخ پرسش‌های مطرح‌شده ←

روی سکوی تالار نشسته، پاهای آویزش را تکان می‌دهد. از کنارش رد می‌شوم ولی مرا نمی‌بیند. آن قدر به آسمان قاب‌شده حیاط خیره شده است که متوجه من نیست» (نشستن روی سکوی بدون مانع تالار — در بلندا نشستن — رو به طبیعت نشستن — مشعوف شدن — خیره شدن به آسمان قاب‌شده حیاط — جلوه آسمان).^{۶۰}

۲.۶. خیال‌انگیزی

ادراک خیالی یکی از مراتب ادراک است که خلق اثر هنری از این طریق صورت می‌گیرد.^{۶۱} با تعمق در مفاهیم برداشت‌شده، یکی از کلیدی‌ترین موارد قابل اشاره خیال‌انگیزی مکان نوستالژیک است. «پرواز خیال» فرد می‌تواند تداعیگر خاطرات نوستالژیک گردد و این در شرایطی است که کیفیت‌های خیال‌انگیز در معماری کنونی ما کم‌رنگ شده‌اند و اشاره برخی مشارکت‌کنندگان در پژوهش به این نکته بیانگر خلأ وجودی و نیازمندی به آن می‌تواند باشد:

وقتی عالی‌قاپو را از آنجا می‌بینی، خیلی خیال‌انگیز می‌شود آنجا. انگار هنوز آن فضا و پرسپکتیو آن یک مینیاتور است که زنده است. چون مینیاتورها خیال‌انگیز هستند و خیلی واقعی نیستند (پرواز خیال).

«جذبۀ اشرف» یکی دیگر از عواملی است که موجب شکل‌گیری احساس نوستالژیا می‌شود. «جذبۀ گستردگی دید»، «تقابل‌های دوگانه فضایی»، و یا «جلوه رنگ»، بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌تواند در صورت مهیا بودن مقدمات، باعث ظهور احساس نوستالژیا شوند. «جذبۀ ابهام» مفهومی دیگر است که مشارکت‌کنندگان در غالب مفاهیمی مانند «مرز نامشخص تالار و طبیعت»، «جذاییت رمزآلود بودن محیط»، و یا «پیچ و خم طناز» به آن اشاره داشته‌اند. این مفاهیم زیر عنوان مفهوم «خیال‌انگیزی» طبقه‌بندی شده‌اند. بر این اساس

«رایحه فضا» که نماینده مفاهیمی مانند «بوی نم» و «طنین بوی نارنج‌ها در فضا» است، در ظهور احساس نوستالژیا مؤثر است. «هم‌نشینی ادراک‌های حسی متنوع از طبیعت» مفهوم قابل تأمل دیگری است که اشاره به درگیر شدن حواس مختلف فرد دارد. گاهی هم‌پوشانی حواس گوناگون به ادراک بهره‌بردار عمق بیشتری داده که کدهایی مانند «بهره‌مندی از هم‌نشینی درخت نارنج و آب و خنکای هوا و عمق خاک»، «صدای مطبوع برگ درختان در همراهی با صدای آب»، و یا «زمزمه زیبای فواره‌های حوض و خلوت صبحگاهی حیاط» به آن اشاره داشته‌اند. گاهی این ارتباط حواس گوناگونی از فرد از قبیل بویایی، شنوایی، پوستی، و... را در کنار حس بینایی نوازش می‌کند؛ چیزی که در فضاهای کنونی غالباً در حس بینایی خلاصه می‌شود.^{۶۲}

«تجربه زمان مند طبیعت»، که مفاهیمی همچون «تجربه غروب در بام» و یا «هوای تازه در تجربه صبح دل‌انگیز حیاط» را در بر می‌گیرد، از مفاهیم مؤثر بر احساس نوستالژیا است. «رو به طبیعت نشستن»، «ایوان تماشا»، و یا «آغوش باز و گستردگی دید به سمت آسمان» کدهایی هستند که مشارکت‌کنندگان این پژوهش که عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نوستالژیا هستند، می‌توانند ذیل مفهوم «نظرگاه» دسته‌بندی شوند. به نظر بسیاری از مشارکت‌کنندگان مفاهیمی نظیر «طنین زندگی در حیاط» و یا «پای حوض در محضر ارسی» می‌توانند ذیل مفهوم «زندگی در فضای باز» دسته‌بندی گردند و در تجربه آنان از احساس نوستالژیا تأثیرگذارند:

گویی دیگر این من نیستم؛ به خاطره‌هایم که فکر می‌کنم، این من نیستم. این من نیستم که گاه در مرکز تالار ایستاده و گاه در سردی سرداب خزیده؛ این من نیستم که در خلسه‌ای سنگین می‌تواند ساعت‌ها به فواره‌ای سنگی خیره بماند (ایستادن در مرکز تالار — مرکزیت داشتن — خنکای سرداب — تماشای فواره سنگی).

→ نیست و به مصاحبه‌شونده اجازه می‌دهد آنچه را در ذهن خود در خصوص این موضوع دارد، مطرح کند. ۴۲. تعدادی از پرسش‌های کلیدی راهنمای پژوهشگر که می‌توانست در هدایت مصاحبه‌ها کمک کند، این‌ها هستند:

- علل ایجاد و یا نبود دل‌تنگی شیرین نسبت به آن مکان برای مصاحبه‌شونده چیست؟
- حضور در این فضا یادآور ←

جدول ۱. مفاهیم نظری فرعی و اصلی استخراج‌شده از تحلیل داده‌ها به روش نظریه زمینه‌ای، تدوین: نگارندگان.

«خیال‌انگیزی» یک مکان یکی از ویژگی‌هایی است که می‌تواند مقدمه بروز و ظهور احساس نوستالژیا در مکان گردد^{۶۲}:

این گل‌های پشت پنجره که کاملاً به علت مات بودن شیشه پیدا نیستند، جذبه نوستالژیک دارند؛ چرا که ابهام جذبه نوستالژیک دارد. اصلاً خود نوستالژیک ابهام است (جذبه ابهام).

۲.۷. احساس‌آشنایی

«جذبه سادگی»، «بهره‌گیری از عناصر و اجزای آشنا»، «تداوم مطلوب»، «احساس‌آشنایی در مصالح به کار رفته در فضا»، «احساس‌آشنایی به سبب معانی تداعی‌شده محیط»، «احساس‌آشنایی به سبب تشابه اپیزودهای^{۶۳} رفتاری»، و همچنین «انشای فضا» از مفاهیم برداشت‌شده در پژوهش هستند که می‌توانند، در زیر عنوان «احساس‌آشنایی»، از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری احساس نوستالژیا باشند:

تعداد مفاهیم استخراج‌شده	مفاهیم نظری فرعی	مفاهیم نظری اصلی
۲۵	زنده بودن - نشاط - تنوع	سرزندگی
۴۹	جذبه اطوار نور در فضا - ارتباط بی‌واسطه با طبیعت - جذبه آب - در دل خاک - جلوه آسمان - رایحه فضا - هم‌نشینی ادراک‌های حسی متنوع از طبیعت - ارتباط اندازه‌مند با محیط - تجربه زمان‌مند طبیعت - نظرگاه - زندگی فضای باز	در محضر طبیعت
۱۵	جذبه اشرف - جذبه گستره دید - تقابل‌های دوگانه فضایی - جلوه رنگ - جذبه ابهام	خیال‌انگیزی
۲۵	جذبه سادگی - بهره‌گیری از عناصر و اجزای آشنا - تداوم مطلوب - احساس‌آشنایی در مصالح به کار رفته در فضا - احساس‌آشنایی به سبب معانی تداعی‌شده محیط - احساس‌آشنایی به سبب تشابه در اپیزودهای رفتاری - انشای فضا	احساس‌آشنایی
۹	ریشه داشتن - جذبه ارتباط با کهن - بی‌زمانی	روح بی‌زمان
۴۷	آزادی انتخاب - جمع‌پذیری - تعاملات عاطفی - خلوت داشتن	بستری برای خلوت و یا فرصتی برای با هم بودن
۳۸	جذبه مصالح - اجزای معمارانه گذشته	جذبه عناصر کالبدی گذشته
۱۲	دوام کالبدی - احساس پناه	پایایی

«در درونم غوغایی به پا شده بود؛ غریبه‌ای آشنا بود این فضا؛ در همان نگاه اول دل به این فضا دادم» (آشنا بودن - مطلوب شدن محیط).

تجربه مدرنیته و پیامدهای آن و حاکم شدن ایده تغییر و زدودن آنچه مربوط به گذشته است و نیز مهاجرت و جابه‌جایی‌های مکرر تعداد زیادی از مردم انسان‌ها را با عناصر ناآشنای زیادی در محیط‌های ناشناخته مواجه کرده است. برای مقابله با تنش ناشی از این امر در عصر کنونی باید بیشتر به دنبال مکان‌های آشنا بود^{۶۴}، تا تغییر مکان دائمی، که از مشخصه‌های زندگی امروزه است، قابل تحمل‌تر شود. احساس‌آشنایی با محیط در این شرایط با بهره‌گیری از تداعی می‌تواند موجب احساس امنیت و آرامش در مخاطب گردد^{۶۵}. اگر تغییر بدون تداوم باشد، موجب بی‌اطمینانی می‌شود و آرامش را از مخاطب سلب می‌کند و باعث می‌شود احساس‌آشنایی با محیط، رخت بریندد و جای آن را احساس غریبگی پر کند؛ احساسی که در دنیای پر تنش کنونی در حال فراگیر شدن است.

۲.۸. روح بی‌زمان

پیوستگی با گذشته، گذشته‌ای مطلوب و زیبا و نه نامطلوب، و ارزش‌ها و کیفیت‌هایش جذبه عمیقی در مخاطبان داشت. همان‌گونه که مدرنیته به دنبال «روح زمانه» بود، شاید بتوان ادعا کرد که با بازخوانی و بهره‌گیری از روح کیفیت‌ها و ارزش‌های گذر کرده از عمق گذشته و به تعبیری «روح بی‌زمان»، برای افرادی که توجه به گذشته برای آن‌ها ارزشمند است، بتوان بر کیفیت محیط افزود. مفاهیمی مانند «جذبه ارتباط با کهن»، «بی‌زمانی»، و یا «ریشه داشتن» تحت عنوان «روح بی‌زمان» مطرح شده‌اند:

اینجا انگار تا بی‌نهایت وقت داری و می‌توانی هر کاری دلت خواست انجام دهی. اینجا انگار برای بی‌نهایت ساخته شده است. انگار بی‌نهایت وقت و زمین و سرمایه و... داشته‌اند. حیاط به این بزرگی، تاق‌های به این بلندی. درحالی که در حال حاضر این‌گونه بوده است

→ حضور و یا تجربه کدام فضای دلنشین با تجربه‌ای شیرین است؟

این پرسش‌ها به بهره‌گیری از وجوه نوستالژیا که در رساله به آن‌ها اشاره شده است، مانند «دلنگی شیرین» و یا «فقدان» و... طرح گردیده‌اند (در اینجا از بیان آن‌ها به دلیل اطالۀ امر خودداری شده است).

۴۳. مشخصات دموگرافیک شرکت‌کنندگان در پژوهش در جدول پیوست آورده شده است.

(جدول ۳ را در پایان مقاله ببینید).

۴۴. theoretical saturation

اشباع نظری بدین معنا است که هرگاه محقق به این نتیجه رسید که پاسخ‌های داده‌شده یا مصاحبه‌های انجام‌شده با افراد مطلع به اندازه‌ای به هم شباهت دارند که به تکراری شدن پاسخ‌ها یا مصاحبه‌ها منجر شده و داده‌های جدیدی در آن‌ها نیست، انجام مصاحبه‌ها یا مشاهدات بیشتر منجر به افزوده شدن یا تغییر در تئوری یا نگرش ایجاد شده نمی‌شود، هیچ داده تازه و مهمی به دست نمی‌آید، و مقوله‌ها به خوبی از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد پرورده شده‌اند؛ تعداد مصاحبه‌ها را کافی دانسته و دست از انجام مصاحبه می‌کشد.

۴۵. روند انجام کار به این صورت بود که با انتخاب اولین مصاحبه‌شونده، به نظر می‌رسید که او بالاترین احتمال کسب مناسب اطلاعات و استخراج مفاهیم را دارد. در حین مصاحبه، مفاهیم برداشت ←

جدول ۲. دسته‌بندی مفاهیم نظری، تدوین: نگارندگان.

به «روح بی‌زمان» است و این امر اهمیت کشف، تبیین، و بهره‌گیری از این وجه و لزوم توجه ویژه به آن را بیش از پیش نمایان می‌کند. به تعبیری مفاهیمی از قبیل «احساس آشنایی» و یا «خیال‌انگیزی» در صورتی می‌توانند نقش مؤثری در ظهور احساس نوستالژیک داشته باشند که از گذرگاه «روح بی‌زمان» عبور کنند و به گونه‌ای با گذشته دلنشین مرتبط باشند؛ گذشته دلنشینی که فقدان آن احساس می‌شود.

۳. جمع‌بندی

این پژوهش تلاشی آغازی است برای شناخت عواملی که می‌توانند قابلیت «نوستالژیک بودن» را در معماری ایجاد کنند و در آن یکی از شاخصه‌های محیط مطلوب که ریشه در گذشته دارد معرفی و حقانیت حضور چنین صفتی در محیط تبیین و در اولین گام، وجوه نوستالژیا در معماری شناسایی شده است.

در پژوهش‌های آینده می‌توان ضمن بررسی حدود هر یک از وجوه تبیین‌شده، به کشف مؤلفه‌های فیزیکی و فضایی در محیط، که باعث بروز چنین جوهری می‌شود، پرداخت. برای رسیدن به این هدف توجه به قطب درون و قطب بیرون نوستالژیا الزامی است.^{۶۸} معماری از جمله عوامل مطرح در قطب بیرون است که شناخت و توجه به وجوه و ابعاد آن بر عهده پژوهش‌های معماری و طراحی محیطی است. در این مقاله سعی شده تا مبنایی نظری برای پژوهش‌های کاربردی‌تر فراهم شود. در پژوهش‌های کاربردی‌تر، باید از حوزه فهم و نقد اثر فراتر رفت و به حوزه فرایند طراحی وارد شد و رویکردها و

که عجالتاً یک چیزی بساز تا برویم. نگاهی در آن فضا بوده است که کیفیت و حظ بردن از برخی کیفیت‌ها حرف اول را می‌زده است که ما نقصان آن را در حال حاضر احساس می‌کنیم (بی‌زمانی — فقدان احساس ماندگاری در فضاهای حال حاضر).

و این‌ها کیفیت‌هایی هستند که بر اساس جان آدمی است. آن‌ها حالشان خوب بوده است و فضاهای باحالی می‌ساخته‌اند. آن‌ها برای دلشان به نظر من بیشتر کار می‌کردند. ما خیلی به دل‌مان اهمیت نمی‌دهیم و در توهم رسیدن به جایی هستیم که هرگز نمی‌رسیم (کیفیت‌هایی مبتنی بر جان آدمی).

خلاصه‌ای از مفاهیم نظری فرعی، که در نهایت منجر به ظهور مفاهیم نظری اصلی شده‌اند، در «جدول ۱» آرایه گردیده‌اند. در ستون اول این جدول تعداد مفهوم برداشت‌شده از مشارکت‌کنندگان در مرحله کدگذاری تحقیقی بیان شده‌اند.

در اینجا بیان این مطلب خالی از لطف نیست که بررسی مفاهیم و تحلیل آن‌ها نشان می‌دهد که مفاهیم برداشت‌شده را می‌توان در سه نوع مفاهیم کالبدی، مفاهیم رفتاری، و مفاهیم معنایی دسته‌بندی کرد (جدول ۲) و به بیان دیگر همان‌طور که سه عامل کالبد، فعالیت، و معنا فضایی را جهت‌دار و برای مخاطب تبدیل به مکان می‌کند، با گذشت زمان ممکن است این مکان محل شکل‌گیری خاطرات جمعی گردد^{۶۶} و این امکان هست که بستری برای شکل‌گیری مفاهیم نوستالژیک فراهم کند.

در اینجا شایان ذکر است که وجوه بیان‌شده در یک سطح نیستند و برخی نسبت به بقیه مبنایی‌ترند. به طور مثال، مفهومی مانند پایایی مکان شرط لازم برای بهره‌مندی از کیفیت نوستالژیک شدن محیط است و در گام‌های ابتدایی می‌بایست محقق شود. با توجه به اینکه نوستالژیا به دنبال مدینه فاضله خود در گذشته است^{۶۷}، در مفهوم جذبۀ پیوستگی با گذشته، توجه به ارزش‌های گذر کرده از عمق گذشته و درواقع توجه

بهره‌گیری از کیفیت‌های دلنشین فضاهای گذشته، در محضر طبیعت، خیال‌انگیزی، احساس آشنایی، جذبۀ پیوستگی با گذشته	مفاهیم معنایی
جذبۀ عناصر کالبدی گذشته، پایایی مکان	مفاهیم کالبدی
بستری برای خلوت و یا تعاملات اجتماعی مطلوب	مفاهیم رفتاری

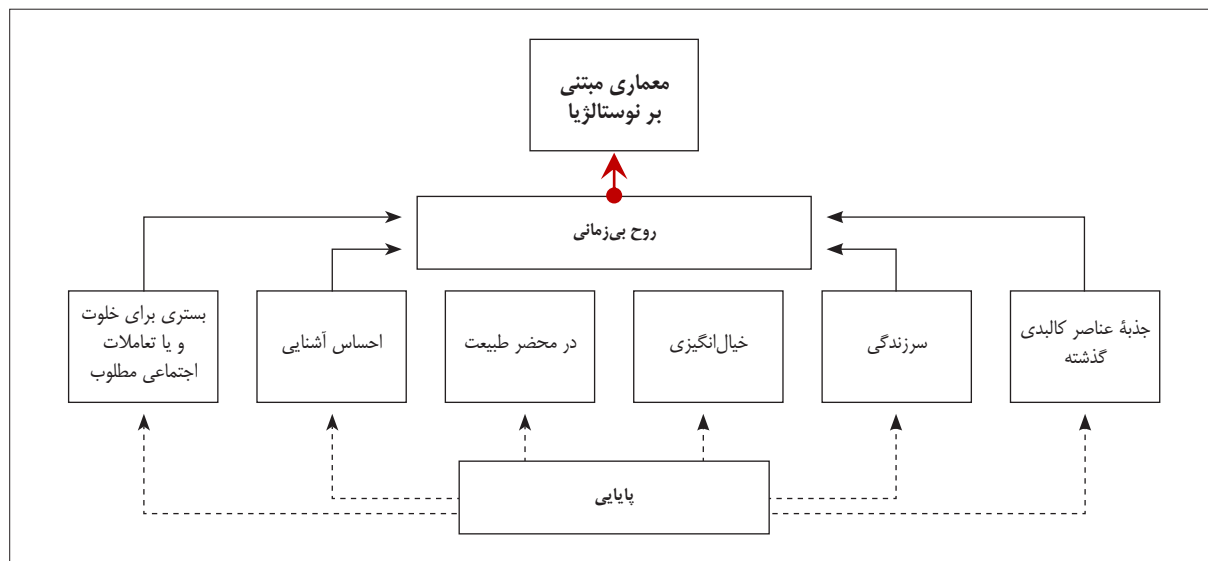
→ می‌شد و بر اساس مفاهیم مورد اشاره و خلأها یا میزان کثش مطلب، مصاحبه ادامه می‌یافت. پس از اتمام مصاحبه و مرور آن، در صورتی که هنوز نکته و یا مطلبی برای پرسش مشاهده می‌گردید، مجدداً به مشارکت‌کننده رجوع می‌شد. اگر پس از اتمام آن هنوز خلأیی احساس می‌شد، از گزینهٔ دیگر مصاحبه می‌شد و نکات مصاحبهٔ قبلی می‌توانست مبنایی برای آن باشد و این فرایند تا اشباع نظری ادامه داشت. هشت مصاحبهٔ اول تقریباً یک ساعت و گاهی بیشتر به طول انجامید. زمانی که مقوله‌ها به اشباع نزدیک شده بودند، برای چند نفر آخر، طول مصاحبه‌ها نزدیک به بیست دقیقه کاهش یافت. همهٔ مصاحبه‌ها ضبط و به صورت کامل پیاده شدند.

۴۶. یکی از نکات مورد تأکید گلنر (Glaser, *Advances in the Methodology of Grounded Theory: Theoretical Sensitivity*)، در روش کلاسیک، یادداشت‌نویسی است. یادداشت‌ها، اندیشه‌ها، و ایده‌های پژوهشگر را به هنگام پیشرفت کار در بر می‌گیرند و می‌توان آن‌ها را برای هدایت یا اصلاح جهت پژوهش بررسی و بازبینی مکرر کرد (Goulding, *ibid*). پژوهشگر این یادداشت‌ها را از تحلیل‌ها، فکرها، ←

راهکارهایی برای طراحی معماری پیشنهاد داد تا معماران بتوانند از قابلیت‌های نوستالژیا در خلق معماری مبتنی بر نوستالژیا بهره‌گیرند.

مطابق یافته‌های پژوهش، وجوه معماری نوستالژیک چنین دسته‌بندی می‌شوند: «سرزندگی»، «در محضر طبیعت»، «خیال‌انگیزی»، «احساس آشنایی»، «روح بی‌زمان»، «بستری برای خلوت و یا فرصتی برای با هم بودن»، «جذبۀ عناصر کالبدی گذشته»، و «پایایی»؛ لکن شایان ذکر است که این وجوه در یک سطح نیستند و برخی نسبت به بقیه مبنایی‌ترند. وجوه معماری مبتنی بر نوستالژیا — معماری‌ای که بتواند صفت نوستالژیک بودن را برای آن برشمرد — در قالب «تصویر ۴» ارایه شده است. این وجوه که برگرفته از مفاهیم برداشت‌شده

از مشارکت‌کنندگان در پژوهش است، می‌تواند در کنار مهیا شدن شروط اصلی و لازم تحقق معماری مطلوب بستری برای بهره‌مندی از مفهوم نوستالژیا در معماری را فراهم کند تا، در صورت مهیا بودن مقدمات لازم در بعد درون افراد، امکان بهره‌مندی از نوستالژیا در ارتقای کیفیت محیط محقق شود. در اینجا بیان این نکته ضروری است که عموماً توجه به مفاهیم و جذبۀهای نوستالژیک برای افرادی مطلوب است که توجه به گذشته برای ایشان ارزشمند است. همچنین لازم به ذکر است که بسیاری از کیفیت‌های نوستالژیک با حواسی به غیر از بینایی درک می‌شوند، بنا بر این در صورتی که محیط محرک حواس گوناگون باشد، امکان بهره‌مندی از مواهب نوستالژیا در معماری بیشتر مهیا می‌شود.



منابع و مأخذ

تصویر ۴. ویژگی‌های معماری مبتنی بر نوستالژیا، تدوین: نگارندگان.

ابراهیمی دینانی، غلامحسین. «ادراک خیالی و هنر»، در *فصلنامهٔ خیال*، ش ۲ (تابستان ۱۳۸۱)، ص ۶-۱۱.

استراوس، انسلم و جولیت کربین. *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریهٔ زمینه‌ای*، ترجمهٔ ابراهیم افشار، تهران: نشر نی، ۱۳۹۰.



فصلنامه علمی و پژوهشی زبان و ادب فارسی، سندی، ش ۱۰ (بهار ۱۳۹۱)، ص ۸۹-۱۰۶.

زمانی، سمیه. واکاوی شکل‌گیری هویت مصرف‌کنندگان تلفن همراه در ابر جهان دوفضایی با استفاده از نظریه زمینه‌ای کلاسیک، رساله دکتری، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۶.

کرباسی، عاطفه. «معماری امروز و ابهامی در باب ثابت و متغیر»، در نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، ش ۳ (پاییز ۱۳۹۱)، ص ۶۱-۷۰.

لنگ، جان. آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

میرمقتدایی، مهتا. «معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر، مطالعه موردی: تهران»، در نشریه هنرهای زیبا، ش ۳۷ (بهار ۱۳۸۸)، ص ۵-۱۶.

وفایی، عباسعلی و مهدی‌رضا کمالی. «بررسی شبکه تداعی بر اساس فنون بدیعی در اشعار صائب تبریزی»، در نشریه ادب و زبان، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ش ۳۸ (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، ص ۳۶۳-۳۸۳.

نصر، سیدحسین. معرفت و معنویت، ترجمه ان‌شاءالله رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۵.

Al-Ragam, A. "Critical Nostalgia: Kuwait Urban Modernity and Alison and Peter Smithson's Kuwait Urban Study and Mat-Building", in *The Journal of Architecture*, Kuwait University, 20(1) (2015), pp. 1-17.

Austin, L. *Nostalgia in Transition: 1780-1917*, Duke University Press, 2007.

Boym, Svetlana. *The Future of Nostalgia*, New York: Basic Books, 2001.

Dasilva, F. & J. Faught. *Nostalgia: A Sphere and Process of Contemporary Ideology*, Human Sciences Press, 1982.

Davies, J. "Sustainable Nostalgia", in *Memory Studies*, 3(3) (2010), pp. 267-268.

Galli, G. *Nostalgia, Architecture, Ruins, and their Preservation*, University of Pennsylvania Press, 2013.

Goulding, C. "Grounded Theory: A Practical Guide for Management", in *Business and Market Researchers*, Sage, 2002.

اسمعیلیان، سحر و احسان رنجبر. «بررسی تطبیقی مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری خاطره جمعی در فضاهای عمومی شهری؛ نمونه موردی: تهران»، در آرمان‌شهر، ش ۱۱ (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، ص ۱۸۱-۱۹۴.

پلاسا، یوهان. چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی، ترجمه رامین قدس، تهران: انتشارات پرهام نقش، ۱۳۹۳.

پورنامداریان، تقی و ناهید طهرانی ثابت. «تداعی و فنون ادبی»، در فنون ادبی، دانشگاه اصفهان، ش ۱ (پاییز و زمستان ۱۳۸۸)، ص ۱-۱۲.

جعفری، محمدتقی. زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، انتشارات مؤسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه جعفری، ۱۳۸۶.

خوارزمی، حمیدرضا. «ارتباط مراعات النظیر و تداعی معانی و سیر تحول آن‌ها»، در فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، ش ۱۳ (زمستان ۱۳۹۴)، ص ۵۷-۷۵.

رازجویان، محمود. «به سوی محراب و تقرب به لحظات ملکوتی»، در نشریه صفا، ش ۳۲ (بهار و تابستان ۱۳۸۰)، ص ۱۱۸-۱۳۱.

رلف، ادوارد. مکان و بی مکانی، ترجمه محمدرضا نقصان محمدی و همکاران، تهران: آرمان‌شهر، ۱۳۸۹.

ریحانی، محمد و ربابه قصابان شیروان. «بررسی یکی از مؤلفه‌های نوستالژیک (دوری از معشوق) در برخی از اشعار منوچهر آتشی»، در

Glaser, B.G. & A. Strauss. *The Discovery of Grounded Theory*, London: Weidenfeld and Nicholson, 1967.

Glaser, B.G. *Advances in the Methodology of Grounded Theory: Theoretical Sensitivity*, University of California San Francisco, 1978.

_____. *Doing Grounded Theory: Issues and Discussions*, Sociology Press, 1998.

Hart, J. "Toward a Phenomenology of Nostalgia", in *Man and World*, 6(4) (1973), Indian University, pp. 397-420.

Heath, Helen & Sarah Cowley. "Developing a grounded theory approach: a comparison of Glaser and Strauss", in *International Journal of Nursing Studies*, 41 (2004), pp. 141-150.

Holak, S. & W. Havlena. "Feeling, Fantasies, and Memories: An Examination of the Emotional Components of Nostalgia", in *Journal of Business Research*, 42(3) (1998), pp. 217-226.

Legg, S. "Memory And Nostalgia", in *Cultural Geographies*, 11

→ تفسیرها، پرسش‌ها، و جهت‌گیری‌های بعدی‌اش در گردآوری داده‌ها برای خود تهیه می‌کند (استراوس و کوربین، همان). مقایسه مداوم، در کنار یادداشت‌نویسی نظری، بنیان‌های تحلیل نظریه زمینه‌ای را تشکیل می‌دهند.

47. Substantive Coding

48. Thoritical

۴۹. کدهای حقیقی عنصر تجربی را خلاصه می‌کنند، این کدها باید تناسب و ارتباط مستقیم با داده‌ها داشته باشند.

۵۰. در کدگذاری باز مفاهیم شکل می‌گیرند، در این مرحله پژوهشگر باید از خود بپرسد «این داده‌ها بر چه چیز تمرکز دارند و چه چیز را مطالعه می‌کنند؟»، همچنین پژوهشگر باید از خود بپرسد «این رویداد تعیین کننده چه مقوله‌ای است؟» پس از آن کدهای مرتبط از لحاظ معنا یا مفهوم در کنار هم دسته‌بندی شدند و مفاهیم انتخابی را تشکیل دادند.

۵۱. نک: Glaser, ibid

۵۲. نک: Ibid

53. Member Check

۵۴. حمیدرضا خوارزمی، «ارتباط مراعات النظیر و تداعی معانی و سیر تحول آن‌ها»، ص ۵۸-۶۰؛ تقی پورنامداریان، ناهید طهرانی ثابت، «تداعی و فنون ادبی»، ص ۷-۹؛ عباسعلی وفایی و مهدی‌رضا کمالی، «بررسی شبکه تداعی بر اساس فنون بدیعی در اشعار صائب تبریزی»، ص ۳۶۴.

(2004), pp. 99-107.

Marchegiani, C. & I. Phau. "Personal and Historical Nostalgia- a Comparison of Emotions", in *Journal of Global Marketing*, (2013), pp. 137-146.

Margalit, A. "Nostalgia", in *Psychoanalytic Dialogues*, 21(3) (2011), pp. 271-280.

Pourtova, Elena. "Nostalgia and lost Identity", in *Journal of Analytical Psychology*, Moscow, 58(1) (2013), pp. 34-51.

Richards, L. & J.M. Morse. *Readme first for a User's Guide to Qualitative Methods*, Sage, 2012.

Strauss, A. & J.M. Corbin. *Grounded Theory in Practice*, Sage, 1997.

→ معناداری شروع می‌شوند، فرایندی در راستای آن هدف طی می‌کنند و سرانجام با رسیدن به هدف پایان می‌پذیرند (محمود رازجویان، «به سوی محراب و تقرب به لحظات ملکوتی»، ص ۱۲۰).

۶۴ ادوارد رلف، مکان و بی‌مکانی، ص ۸.

۶۵ مهتا میرمقتدایی، «معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر، مطالعه موردی: تهران»، ص ۶۶: جان لنگ، همان، ص ۲۱۸-۲۱۹.

۶۶ سحر اسمعیلیان و احسان رنجبر، «بررسی تطبیقی مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری خاطره جمعی در فضاهای عمومی شهری؛ نمونه موردی: تهران»، ص ۱۸۵.

۶۷ نوستالژیا برخلاف اتوپیا که مدینه فاضله خود را در آینده می‌جوید، به دنبال مدینه فاضله خود در گذشته دلنشین است.

۶۸ ظهور احساس نوستالژیک نیازمند همکاری دو وجه قطب درون، که به انسان بستگی دارد، و قطب برون، که محیط بیرون فرد است، نیازمند است.

→ برای تیر کردن احساس نوستالژیا باشد.

۵۹ نک: پلاسم، چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی.

۶۰ برخی از این کدها در نهایت ممکن است در زیرمجموعه کدهای نظری دیگر دسته‌بندی شده باشند.

۶۱ غلامحسین ابراهیمی دینانی، «ادراک خیالی و هنر»، ص ۸.

۶۲ مطلب قابل تأمل توجه به بعد خیال‌انگیزی محیط است. طراحان بسیاری به این وجه از فضاهای نوستالژیک توجه بسیاری داشته‌اند.

پرواز خیال شرط لازم برای تداعی و تداعی نیز شرط اساسی برای یادآوری کیفیت‌های مطلوب نوستالژیک است. طراحان این فضاها پا را از پاسخ‌گویی صرف به نیازهای فیزیکی فراتر گذاشته و جان آدمی و نیازهای آن را مورد توجه قرار داده‌اند؛ چیزی که گمان می‌رود کمبود آن و نیاز به آن در معماری کنونی می‌تواند زمینه‌ساز برانگیخته شدن احساس نوستالژیک گردد.

۶۳ اپیزود (episode) یا سلسله رفتار واحد سنجش رفتار است و منظور از آن مجموعه عملیات پیوسته‌ای است که با هدف ←

Tufford, L. & P. Newman. "Bracketing in Qualitative Research", in *Qualitative Social Work*, 11(1) (2012), pp. 80-96.

Urquhart, C. *Grounded Theory for Qualitative Research: A Practical Guide*, Sage, 2012.

Wildschut, T. & C. Sedikides & J. Arndt & C. Routledge. "Nostalgia: Content, Triggers, Functions", in *Journal of Personality and Social Psychology*, 91 (2006), pp. 975,993.

Yeh, S.S. & C. Chen & Y.C. Liu. "Nostalgic Emotion, Experimental Value, Destination Image, and Place Attachment of Cultural Tourists", in *Advances in hospitality and leisure*, Emerald Insight, (2006), pp. 167-187.

۵۷ همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، نوستالژیا طیفی از تجربه شخصی تا جمعی را شامل می‌شود و این تجربه در نهایت می‌تواند به مفاهیمی مرتبط به تاریخ بشریت و مفاهیم فطری برسد. به بیانی مفاهیمی از تجربه دیوار آخریایی ایبانه توسط فرد تا مفاهیم جهانی و فطری. فرد احساس پناه خود را در حوزه مفاهیمی فطری مطرح می‌کند.

۵۸ اشاره به این نکته ضروری می‌نماید، درحالی‌که در معماری مبتنی بر نوستالژیا، مطلب بیان شده اهمیت دارد و فراهم بودن نیازهای پایه‌ای معمارانه برای بهره‌برداری مطلوب‌تر از کیفیت‌های نوستالژیک ضروری است، از جنبه‌ای دیگر یکی از وجوه اصلی نوستالژیا فقدان است؛ یعنی احساس نوستالژیا ممکن است زمانی تیر شود که احساس فقدان امر مطلوبی بر فرد حاکم شود. بنا بر این با توجه به اینکه پیری و گرد زمان مقدمه فقدان است، اگر فضایی رنگ و بویی از این جنس به خود گیرد (که انعکاس آن حتی می‌تواند در ایجاد غبار و کهنگی مصالح به کار رفته باشد)، ممکن است مقدمه‌ای ←

→ نوستالژیا تشبیه شده به تجربه غیر مستقیم گذشته اشاره می‌کند و نوستالژیا جمعی به بحث در خصوص گذشته عرضه شده به وسیله فرهنگ معطوف است (Yeh, et al, ibid, p. 175). دسته‌بندی دیگری شامل نوستالژیا فردی (Personal Nostalgia) و نوستالژیا تاریخی (Historical Nostalgia) می‌شود. نوستالژیا فردی از یادآوری گذشته شخصی حاصل می‌شود؛ درحالی‌که نوستالژیا تاریخی حکایت از زمانی در تاریخ، که فرد مستقیماً حضور نداشته است، حتی زمانی پیش از تولد وی بوده است، دارد (Marchegiani & Phau, ibid). در دیدگاه آن‌ها این نکته مهم را می‌توان یافت که نوستالژیا صرفاً به رویدادهای تجربه شده توسط فرد محدود نمی‌شود و می‌تواند به ورای عمر او نیز معطوف باشد. بدین ترتیب می‌توان بیان داشت که ممکن است فرد شخصاً تجربه دیوار کاهگلی را نداشته باشد؛ لکن، با توجه به موارد ذکر شده و ریشه داشتن برخی مفاهیم در کهن‌الگوها و یا فطرت و جان آدمی، چنین احساسی فرد را در بر گیرد.

۵۵. وجوه «آن» در ذهن، در این پژوهش می‌تواند اشاره به مجموعه‌ای از تجربه‌های مستقیم فرد تا مفاهیمی کهن باشد که ممکن است حاصل تجربه مستقیم فرد نباشند و الگوهای ذهنی جمعی باشند که مصادیق معماری آن کهن‌الگوها و ساختارهای فطری نهادینه شده در ذهن باشد. کشف این الگوهای فطری و مشترک بین همه انسان‌ها می‌تواند گام بلندی برای بهره‌مندی از مواهب نوستالژیا در معماری باشد که نیازمند پژوهش‌های آتی است. در اینجا اشاره به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که با مراجعه دوباره به نظر نوستالژیا می‌توان بیان داشت معماری مبتنی بر نوستالژیا طیف گسترده‌تری از معماری فطری دارد؛ چرا که ممکن است، به‌ویژه در تجربه‌های شخصی، شامل مفاهیمی شود که حاصل تجربه شخصی باشد و ریشه در فطرت و با کهن‌الگوها نداشته باشد. گمان می‌رود هرچه از تجربه شخص به سوی تجربه جهانی حرکت کنیم، احتمال ریشه داشتن در فطرت و کهن‌الگو بیشتر خواهد شد.

۵۶. ممکن است این موارد حاصل تجربه شخصی فرد باشد و یا اینکه خود فرد شخصاً چنین تجربه‌ای را نداشته باشد و از طریق دیگر، به‌جز تجربه مستقیم فضا، در جان او نقش بسته باشد. می‌توان بیان داشت که تقسیم‌بندی نوستالژیا به سه گونه واقعی (Real Nostalgia)، تشبیه شده (Simulated) و جمعی (Collective Nostalgia) می‌تواند باشد. نوستالژیا واقعی به تجربه گذشته فرد اشاره دارد، درحالی‌که ←



مشخصات دموگرافیک شرکت کنندگان در پژوهش
(مربوط به پانوش ۴۳)

مدت بهره‌برداری از بنا (سال)	نام بنا			سن	جنسیت		تعداد شرکت‌کننده
	دانشکده معماری خوراسگان	توحیدخانه	خانه رسولیان		مرد	زن	
۱۲		*		۴۵	*		۳۳
۲۳		*		۴۳	*		۳۴
۱۰		*		۴۰	*		۳۵
۵		*		۳۷	*		۳۶
۹		*		۲۹		*	۳۷
۷		*		۲۷		*	۳۸
۱۲		*		۲۶		*	۳۹
۱۵		*		۴۵	*		۴۰
۸		*		۲۸	*		۴۱
۱۱		*		۴۱	*		۴۲
۱۴		*		۴۸	*		۴۳
۶		*		۲۷		*	۴۴
۲۰		*		۵۰		*	۴۵
۱		*		۲۰	*		۴۶
۲۶		*		۴۶		*	۴۷
۳		*		۲۲		*	۴۸
۴		*		۲۳		*	۴۹
۱		*		۲۲		*	۵۰
۱		*		۲۱	*		۵۱
۵		*		۲۴	*		۵۲
۷	*			۲۳	*		۵۳
۱	*			۲۲		*	۵۴
۶	*			۳۵		*	۵۵
۶	*			۴۶	*		۵۶
۴	*			۳۰		*	۵۷
۶	*			۵۸		*	۵۸
۱	*			۴۰		*	۵۹
۶	*			۵۰	*		۶۰
۲	*			۲۳	*		۶۱
۱	*			۲۳		*	۶۲
۱	*			۲۲		*	۶۳
۲	*			۲۱	*		۶۴
۱	*			۱۹		*	۶۵
۴	*			۲۳	*		۶۶
۲	*			۲۵	*		۶۷

مدت بهره‌برداری از بنا (سال)	نام بنا			سن	جنسیت		تعداد شرکت‌کننده
	دانشکده معماری خوراسگان	توحیدخانه	خانه رسولیان		مرد	زن	
۲۱			*	۴۰		*	۱
۷			*	۴۰	*		۲
۱			*	۲۱	*		۳
۳			*	۲۴		*	۴
۲۶			*	۴۵	*		۵
۲			*	۲۲		*	۶
۲			*	۲۲		*	۷
۶			*	۲۵		*	۸
۲۵			*	۵۵	*		۹
۱۵			*	۳۵	*		۱۰
۲			*	۲۲		*	۱۱
۸			*	۲۷	*		۱۲
۹			*	۲۹	*		۱۳
۲۰			*	۴۸	*		۱۴
۱			*	۲۰		*	۱۵
۱			*	۲۱	*		۱۶
۲			*	۲۱		*	۱۷
۵			*	۴۵		*	۱۸
۱۰			*	۴۰	*		۱۹
۱۳			*	۳۳		*	۲۰
۴			*	۲۳		*	۲۱
۱			*	۲۰		*	۲۲
۳			*	۲۲	*		۲۳
۴			*	۳۳	*		۲۴
۱۷			*	۳۷		*	۲۵
۴			*	۲۳	*		۲۶
۲			*	۲۲		*	۲۷
۱			*	۲۰	*		۲۸
۱			*	۲۲		*	۲۹
۱			*	۲۰	*		۳۰
۱۰		*		۴۰	*		۳۱
۸		*		۴۳	*		۳۲

جدول ۳. مشخصات دموگرافیک شرکت‌کنندگان در پژوهش (نک. پانوش ۴۳)

